

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

موضوع سخنرانی:

"تحلیلی بر ابعاد تربیتی و یادگیری دیدگاه برنامه درسی فطرت‌گرا"

سخنران:

دکتر حسن ملکی عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

مکان: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

زمان: یازدهم آذرماه ۱۳۹۶

محورهای چهارگانه بحث

۱. یادگیری در برنامه درسی

۲. فطرت و برنامه درسی

۳. باهم نگری و بحث

۴. چه باید کرد؟

بیان مسئله

"یادگیری" با برنامه درسی از چند جهت مرتبط است. اولاً نظریه یادگیری مقبول یکی از مبناهای برنامه درسی را تشکیل می‌دهد و ریشه خیلی از تصمیم‌گیری‌ها در برنامه درسی به ماهیت یادگیری برمی‌گردد. ثانیاً "یادگیری" هدف برنامه درسی است. در هر برنامه درسی قرار است مجموعه مطالبی یاد داده شود. ثالثاً یادگیری در فرایند آموزش نیز تعیین کننده است. به عبارت دیگر از قوانین یادگیری باید کمک گرفت تا هدف‌ها تحقق پیدا کنند و یادگیری مؤثر به وقوع بپیوندد.

اکنون این سؤال اساسی مطرح است که دیدگاه برنامه درسی فطرت‌گرای توحیدی چه

نسبتی با یادگیری دارد و کدام نظام فکری را در این ارتباط می‌پذیرد؟

یادگیری و برنامه درسی

متخصصان برنامه درسی این پرسش را مطرح می کنند:

چگونه روان شناسی به برنامه درسی کمک می کند؟

روان شناسی پایه ای برای فرایندهای یاددهی و یادگیری فراهم می کند. تا زمانی که یادگیری برای متخصصان برنامه درسی حائز اهمیت است روان شناسی نیز برای این رشته مهم خواهد بود.

روانشناسی نظریه‌ها و اصولی را فراهم می‌کند که بر رفتار معلم و شاگرد در بافت برنامه درسی تأثیر می‌گذارد. از نظر دیویی (Dewey) روان‌شناسی شالوده‌ای است برای فهمیدن این که چگونه یادگیرنده با اشخاص و اشیای موجود در محیط در تعامل است. رالف تایلر (Tyler) روان‌شناسی را به صورت یک پرده یا صفحه نمایش تصور می‌کند که برای تعیین این که اهداف ما چه هستند و چگونه یادگیری انجام می‌گیرد به ما کمک می‌کند.

نسبت برنامه درسی با یادگیری

<p>مفهوم یادگیری</p>	<p>دیدگاه برنامه درسیش</p>
<p>یادگیری عبارت است از رابطه بین محرک و پاسخ. معلم از طریق برنامه تقویت‌کننده به رفتار شکل می‌دهد.</p>	<p>دیدگاه رفتاری</p>
<p>کانون توجه بر یادگیری در حد تسلط مهارت‌ها و به خاطر سپاری دانش</p>	<p>دیدگاه موضوعی</p>
<p>تأکید بر یادگیری اکتشافی است و طی آن دانش‌آموز اصول اساسی یک دیسپلین را کشف می‌کند و آنها را در شرایط و موقعیت‌های دیگر به کار می‌بندد.</p>	<p>دیدگاه دیسپلینی</p>
<p>انتقال فرهنگی: یادگیری فرایندی است که طی آن دانش‌آموزان خود را با انتظارات مدرسه و جامعه تطبیق می‌دهند. شهروندی دموکراتیک: یادگیری یک فرایند تعاملی میان یادگیرنده و محیط است. تغییر اجتماعی: یادگیری تنها حاصل تعامل دانش‌آموز با محیط نیست بلکه از تلاش دانش‌آموز برای بهبود محیط نیز ناشی می‌شود.</p>	<p>دیدگاه اجتماعی</p>
<p>یادگیری با رشد مرتبط است، رشد شناختی و اخلاقی زمانی به وقوع می‌پیوندد که فرد از طریق مواجه شدن با تعارض‌های شناختی یا معماهای اخلاقی به تجدید ساختار الگوی تفکر خود می‌پردازد.</p>	<p>دیدگاه رشدگرا</p>
<p>هر یک از فرایندهای رویکرد شناختی به یک برداشت خاص از تفکر کودک متکی می‌باشند. دیدگاه نظریه‌پردازان نسبت به فرایند تفکر برداشت آنها را نسبت به یادگیری تعیین می‌نماید.</p>	<p>دیدگاه فرایند شناختی</p>
<p>یادگیری باید با معنای شخصی مرتبط دانسته شود، به این معنا که یادگیری فراخور حال فرد به طور فردی متناسب‌سازی می‌شود.</p>	<p>دیدگاه انسان‌گرایانه</p>
<p>؟</p>	<p>دیدگاه فطرت‌گرایی توحیدی</p>

سازنده گرایی (Constructivism)

سازنده گرایی یا ساختن گرایی بر این اندیشه استوار است که یادگیرندگان دانش خود را از تجربه هایشان به دست می آورند. مهم ترین فرض سازنده گرایی این است که هیچ دانشی مطلق نیست بلکه همه دانش ها ساختنی و لذا نسبی هستند. دومین ویژگی سازنده گرایی این است که یادگیری در یک متن یا زمینه معین رخ می دهد. بنابراین، این تصور که یادگیری فارغ از محیط اتفاق می افتد غیر واقعی و ناصحیح است.

یادگیری در سازنده‌گرایی

دیدگاه سازنده‌گرایی می‌گوید یادگیری معنی‌دار عبارت است از خلق فعال ساختار دانش (مفاهیم، قواعد، فرضیه‌ها، ...) از تجارب شخصی. به سخن دیگر هر یک از یادگیرندگان بر اساس تجارب خود یک تفسیر شخصی از جهان می‌سازند.

دیدگاه سازنده‌گرایی همچنین مبتنی بر این باور است که ماهیت دانش یک شخص هرگز به طور کامل قابل انتقال به شخص دیگری نیست.

نتیجه گیری

۱. پیوند یادگیری و مباحث مربوط به آن با برنامه درسی یک امر ذاتی است. یعنی بدون موضع گیری شفاف نسبت به یادگیری نمی توان درباره برنامه درسی به طور شفاف سخن گفت.
۲. هر یک از نظریات برنامه درسی بر پایه یک مکتب روان شناسی شکل گرفته اند و مکاتب روان شناسی نیز ریشه فلسفی دارند.
۳. بدین ترتیب می توان انتظار داشت دیدگاه فطرت گرا در برنامه درسی نیز در خصوص یادگیری موضع گیری مشخصی داشته باشد.

نظریه برنامه درسی ← نظریه یادگیری ← مکتب فلسفی

الگوی طراحی برنامه درسی

به لحاظ تاریخی سه منبع اصلی اطلاعاتی برای طراحی برنامه درسی مورد شناسایی قرار گرفت:

۱. موضوعات درسی مدون
۲. دانش آموزانی که برنامه درسی برای آنان طراحی
۳. جامعه

هر چند برخی از متخصصان برنامه ریزی درسی استفاده ترکیبی از هر سه منبع یاد شده را به منظور دستیابی به یک برنامه درسی متعادل توصیه می نمایند، لیکن در عمل شاهد برتری یا حاکمیت نسبی یک منبع بر دو منبع دیگر می باشیم.

الگوی مبتنی بر موضوعات درسی مدون به عنوان منبع اطلاعاتی

- * رایج‌ترین منبع اطلاعاتی برای طراحی برنامه درسی است.
- * از آن جهت مبنای کار برنامه‌ریزی درسی قرار می‌گیرد که منعکس‌کننده میراث فرهنگی بشر است.
- * فراگیری این مجموعه‌های مدون از دانش بشری به عنوان یک شاخص فرد تحصیل کرده نیز به شمار می‌رود.
- * مطابق این الگو برنامه‌های درسی از پیش برای دانش‌آموزان تعیین می‌گردد.
- * کتاب درسی رایج‌ترین منبع و ابزار یادگیری محسوب می‌شود.

الگوی مبتنی بر دانش آموز به عنوان منبع اطلاعاتی

- * در این الگو نیازها، علایق، توانمندی‌ها و تجارب گذشته دانش آموزان به عنوان مبنای تصمیم‌گیری در خصوص عوامل برنامه درسی انتخاب می‌شود.
- * موضوعات درسی در این الگو به ابزاری بدل می‌شوند که دانش آموزان بتوانند مسائل مرتبط با علایقشان را از آن طریق پیگیری کنند.
- * محتوای برنامه درسی بر پایه علایق دانش آموزان و با دخالت مؤثر ایشان انتخاب می‌شود.
- * کتاب‌های درسی ارزش‌چندانی ندارند. به جای آن، انواعی فراوان از مواد و منابع آموزشی مورد نیاز است.
- * فعالیت‌های یادگیری دانش آموزان یا توسط خود آنها انتخاب می‌شود و یا این که قبل از هر گونه تصمیمی در این مورد، معلم دانش آموزان را مورد مشورت قرار می‌دهد.

الگوی مبتنی بر جامعه به عنوان منبع اطلاعاتی

- * استفاده از این منبع اطلاعاتی، به برنامه درسی خاصی منجر می‌شود که ارزش آن به عنوان شیوه‌ای برای فهم و اصلاح جامعه مد نظر است.
- * محتوای برنامه درسی از زندگی جامعه و یا جوامع بشری برگرفته می‌شود.
- * موضوع‌های بدون درسی تا حدی که مربوط به مسئله در دست مطالعه دانش‌آموزان باشد، مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- * منابع و اسناد موجود در جامعه بر کتاب‌های درسی ترجیح دارند.
- * یادگیری روش‌های حل مسئله، روابط انسانی و مهارت‌های اجتماعی با تأکید فراوان مورد توجه قرار گرفته و محتوای از پیش تعیین شده تحت الشعاع واقع می‌شود.

الگوی مبتنی بر فطرت به عنوان منبع اطلاعاتی

- * زمینه‌سازی لازم جهت شکوفایی فطرت الهی دانش‌آموزان از طریق درک و اصلاح مداوم موقعیت آنان.
- * دانش‌آموز امانت الهی و دارای کرامت ذاتی است.
- * همواره در موقعیت است و می‌تواند آن را درک کرده و با انتخاب احسن خویش در راستای اصلاح مداوم آن حرکت نماید.
- * محتوا مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و تربیتی و سازوار با آموزه‌های دینی و قرآنی، مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ از فرصت‌ها و تجارب یادگیری که زمینه شکوفایی فطرت الهی دانش‌آموز را فراهم نماید.
- * یاددهی-یادگیری فرایندی زمینه‌سازی برای ابراز گرایش‌های فطری، شناخت موقعیت یادگیرنده و اصلاح مداوم آن است.
- * معلم، با شناخت و بسط ظرفیت‌های وجودی دانش‌آموزان و خلق فرصت‌های تربیتی و آموزشی، زمینه درک و انگیزه اصلاح مداوم موقعیت آنان را فراهم می‌سازد.
- * به صورت مستمر تصویری روشن و همه‌جانبه از موقعیت کنونی دانش‌آموز، فاصله او با موقعیت بعدی و چگونگی اصلاح آن متناسب با ظرفیت‌ها و نیازهای وی ارائه می‌کند.

بحث و نتیجه گیری

۱. الگوهای طراحی برنامه درسی بر یکی از نظریه‌های روان‌شناسی و یا جامعه‌شناختی هستند در حالی که الگوی مبتنی بر فطرت، ماهیتاً اعتقادی است و همه عناصر آن با جهت‌گیری پرورش فطرت تعیین می‌شود.
۲. در تبیین دیدگاه فطرت‌گرایی توحیدی، تأکید بر "تربیت" در کنار واژه‌هایی مانند: آموزش، فرهنگ و یادگیری صبغه تربیتی بودن دیدگاه فطری را می‌رساند و نشانگر آن است که صرفاً نمی‌توان یک نظریه خاص یادگیری را مبنای برنامه‌ریزی درسی قرار داد.
۳. نظریه سازنده‌گرایی که میدان جاذبه قوی‌تری نیز به وجود آورده، ظرفیت و تناسب لازم را برای طراحی و تدوین برنامه‌های درسی فطرت‌گرایی توحیدی ندارد. زیرا که مبانی آن و تلقی آن از "دانش" یا فطرت‌گرایی متضاد است.

۴. جریان تربیت دوسویه است زیرا مستلزم آن است که فعالیتها و اعمالی از سوی مربی و فعالیتهایی از سوی متربی صورت پذیرد. فعالیتها و اعمال مربی شامل تبیین حقایق، معرفی تکالیف همراه با کمک و ترغیب نسبت به انجام آنهاست. بر این اساس نمی توان نقش معلم را صرفاً به تسهیل گیری تقلیل داد.

۵. در سازنده گرایی، دانش نسخه بر گردان واقعیت نیست بلکه مجموعه ای از تفاسیری است که یادگیرنده برای بامعنا کردن واقعیت و تجربه ارائه می دهد. پس آنچه که به نام یادگیری بامعنا مطرح می شود ساخت تفاسیری برای بامعنا کردن تجربیات و واقعیات است نه کسب حقایقی که ناظر بر واقعیت خارجی باشد.

مبانی تربیتی و یادگیری برنامه درسی فطرت‌گرا عبارت است از مجموعه دانش سازمان‌یافته در خصوص ضرورت‌های تربیتی، موضوع‌گیری مناسب نسبت به نظریه‌های یادگیری و تحلیل فلسفی و روانشناختی ماهیت متربی.